# تنش در روابط افغانستان و پاکستان

(پس از روي كار آمدن طالبان)

**دكتر سيد اسدالله حیدری[[1]](#footnote-1)\***

تنش بین افغانستان و پاکستان، که بیش از 1200 کیلومتر مرز مشترک دارند، طی روزهای اخیر شدت گرفته و هر کدام يكدیگر را در مورد ناآراميهای داخلی کشور خود متهم می‌کنند. تنشهای موجود نه‌تنها امروزه مطرح می‌باشد بلکه سابقه طولانی دارد. ریشۀ این تنشها برمی‌گردد به دوران حاکمیت بریتانیا در شبه قاره هند، که در آن موقع دولت پاکستان قسمتي از هندوستان محسوب مي‌شد و استقلال خود را به دست نياورده بود. پاکستان بعد از جنگ دوم جهانی در سال 1947، از هند جدا شد و به رهبری ایوب‌خان به استقلال دست یافت. چند مقوله را می‌توان در مورد تنشها و چالشهای موجود در روابط دو کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

1. مهم‌ترین تنش در روابط بین افغانستان و پاکستان از زمان حاکمیت انگلستان بر شبه‌قاره هند در اواخر قرن هیجدهم آغاز می‌شود. اختلاف بین حاکمان هند و افغانستان در دهۀ 1880 یعنی سالهای آخر دوران سلطنت امیرعبدالرحمن‌خان شروع شد كه، با فشار انگلستان، قرارداد دیورند و در دهه 1890 بعد از مرگ عبدالرحمن‌خان، و اوايل حکومت سلطنت محمدیعقوب‌خان، قرارداد گندمک را تحمیل نمودند. بر طبق این قراردادها خطوط مرزی تعیین شد و مناطق عظیمی از افغانستان (از پیشاور تا نزدیک اسلام‌آباد و قلعة اتک) و همچنين کوههای صعب‌العبور گندمک (که نیروهای انگلیس از این ناحیه استراتژیکی ضربات و صدمات را در جنگ با افغانها متحمل شده بودند) برای مدت یکصد سال به حاکمان آن روز هند واگذار شد. مردم افغانستان واگذاری سرزمینها طی قراردادهای مزبور را لکۀ ننگی بر تاریخ افغانستان می‌دانند.

2. اختلافات دولت ذوالفقار علی بوتو نخست‌وزیر وقت پاكستان و سردار محمد داوودخان، چه در دوران صدارتش در رژیم سلطنتی محمدظاهر‌شاه و چه در دوران ریاست جمهوری‌اش، به حدی قوت می‌گرفت که منجر به لشکرکشی هر دو کشور در نوار مرزی می‌شد؛ و با پا در میانی و میانجیگری کشورهای همسایه و ... از تنش آن کاسته می‌شد . اختلافات بین دو کشور بر سر منطقه پشتونستان بوده که دولتها در افغانستان بارها مؤكداً ادعا داشته و دارند که منطقه پشتونستان جزء لاینفک سرزمین افغانستان است. مسئله پشتونستان به حدی برای افغانستان مهم است که یک وزارت را به نام اقوام و قبایل تشکیل داده‌اند و در سال یک روز را به نام روز پشتونستان جشن می‌گیرند. مسئله پشتونستان برای افغانستان به حدی اهمیت دارد که پشتونستان را جزو ایالتهای کشور دانسته و در سرود اخبار سراسری روزانه جزو شعار ملی خود (داپشتونستان زمونژ، دا افغانستان زمونژ) یعنی (این پشتونستان از ما و این افغانستان از ما) قرار داده بودند و اکنون نیز چنين است.

3. دولت پاکستان به رهبری ژنرال ضیاءالحق رئيس جمهور وقت پاکستان مخالفین رژیم داوودخان و نیز رژیمهای کمونیستی طرفدار شوروی سابق را مورد حمایت قرار می‌داد. پس از اشغال افغانستان به توسط نیروهای ارتش سرخ شوروی به حمایت از مخالفین دولت و حزب دمکراتیک خلق افغانستان پرداخت و مهاجرین و مجاهدین افغان را در خاک خود جا داد تا از این طریق نیروهای مخالف رژیم کابل را آموزشهای نظامی و چریکی بدهد، آنها را مسلح سازد و برای تخریب و جنگ به داخل افغانستان بفرستد. یگانه پایگاه نظامی و پايگاه مرکزی مجاهدین افغان در صوبه سرحد پیشاور قرار داشت كه از آنجا برای براندازی رژیم کمونیستی حمله مي‌كردند. سازمان اطلاعاتي ارتش پاکستان (ISI)، به خصوص ژنرال حمید گل از رهبران ارتش پاکستان، تا حدی در بین مجاهدین (گروههای اتحاد هفتگانه و اتحاد سه‌گانه) نفوذ پیدا کرده بودند و تمام طرحهای نظامی براندازی دولت افغانستان در اسلام‌آباد و پیشاور مقر مجاهدین افغان تهيه می‌شد. پس از خروج نیروهای شوروی در سال 1987 از افغانستان، دولت در تبعید افغانستان چند بار در اسلام‌آباد و پیشاور تشکیل شد كه هر بار دولت موقت یا دولت در تبعید به خواست و طراحی اطلاعات ارتش بوده است . هیچ‌کدام از رهبران افغان نمی‌توانستند از فرمان دولت پاکستان سرپیچی کنند در غیر آن صورت، از هیچ‌گونه حمایت و کمک نظامی، سیاسی و اقتصادی برخوردار نمی‌شدند. در آن زمان، دو دولت روابط خصمانه با هم داشتند و بارها خاک پاکستان (مرکز نظامی مجاهدین افغان) مورد حملات هوایی کابل قرار می‌گرفت و پاکستان واکنشی از خود نشان نمی‌داد تا از اهداف استراتژیک خود عقب نماند.

4. پس از شکست و سرنگونی رژیم دکتر نجیب‌الله آخرین حکومت کمونیستی طرفدار و دست‌نشانده شوروی در سال 1992، دولت پاکستان عجولانه تصمیم گرفت و یک حکومت موقت به رياست صبغت‌الله مجددی برای جمهوری افغانستان در اسلام‌آباد تشکیل داد. نواز شریف نخست‌وزیر وقت پاکستان اولین مقام عالی‌رتبه خارجی بود که از کابل دیدار كرد و موقعی که از هواپیما وارد فرودگاه شد، سجده شکر به جا آورد. او می‌گفت که به خواست و آرمان خود رسیدیم و شکست رژیم کمونیستی در افغانستان را مشاهده کردیم.

با توجه به اینکه دولت موقت مجاهدین به خواست پاکستان نبود، دخالتهای پنهان آن در دوران حکومت برهان‌الدین ربانی رئیس‌جمهور وقت شروع شد تا حدی که اختلافات در درون دولت (ربانی رئیس جمهور و حکمتیار نخست‌وزیر) بروز کرد. دخالتهای پاکستان در امور داخلی افغانستان باعث به وجود آمدن اعتراضات مردم افغانستان و به ويژه شهروندان کابل قرار گرفت و سفارت اسلام‌آباد در کابل به آتش کشیده شد؛ که در این مورد تنش و اختلافات در روابط ديپلماتیک میان دو دولت به شدت اوج گرفت.

5. در سال 1375 (1996) گروه طالبان با حمایت و کمکهای همه‌جانبه به خصوص شخص بابر، وزیر کشور دولت خانم بی‌نظیر بوتو توانستند، طی چند ماه جنگ، دولت برهان‌الدین ربانی را ساقط كنند و بیش از 80 در صد از خاک افغانستان را در اختیار بگيرند. مجاهدین سابق و گروههای جهادی تحت نام جبهه متحد اسلامی افغانستان به رهبري شهید احمدشاه مسعود از سمت شمال مخالفت خود را با طالبان آغاز کردند. مناطق شمال (مزارشریف) چند بار بین جبهه متحد و طالبان دست به دست گشت. نیروهای طالبان، كه با حمایت همه‌جانبه زمامداران اسلام‌آباد مي‌جنگيدند، شکست خوردند. در نهایت، با مقاومت بسيار، توانستند که پس از چندین درگیری و جنگهای شدید، منطقه شمال (مزار شریف) را به تصرف خود درآورند.

6. پاکستان اولین کشوری بود که رژیم طالبان (ملا محمدعمر) را به رسمیت شناخت و زمینه را مساعد کرد تا سایر کشورها از جمله عربستان سعودی، کویت، امارات و قطر حکومت ملا عمر را به رسمیت شناخته رژیم طالبان را تحت حمایت مالی و سیاسی قرار دهند . البته اين به رسمیت شناختن و کمکها نه‌تنها به حکومت طالبان مقبولیت نداد بلکه در نتيجه عملکرد و افراطی‌گری طالبان به مرور زمان از حمایتهای جهانی و سازمانهای بین‌المللی نسبت به حكومت آنها کاسته شد، و هیچ‌گونه مشروعیت در مجامع بین‌المللی پیدا نکردند. کشورهای همسایه از جمله جمهوری اسلامی ایران، تاجیکستان ، ازبکستان، ترکمنستان، چین و همچنين هند و روسیه هیچ‌کدام رژیم طالبان را به رسمیت نشناختند، و به حمایت از مجاهدین پرداختند. و در مجامع و سازمانهای بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفتند. بر عکس، رژیم طالبان در مجامع بین‌المللی و افکار عمومی به عنوان طرفدار تروریسم به خصوص پس از شهادت دیپلماتهای ایرانی در مزار شریف محکوم شد. گروه طالبان افغانستان را مرکز آموزشهای نظامی و پایگاه امن برای رهبر القاعده (اسامه بن لادن) و سایر مبارزان مسلمان از کشورهای آفریقايی، آسیای میانه به خصوص چینيها و شبه‌قاره هند و ... قرار داده بودند، و عده‌ای از اين مبارزان تابعیت افغانستان را به دست آوردند.

7. پس از حادثه 11 سپتامبر 2001 گروه القاعده به رهبری اسامه بن لادن مورد سوءظن آمريكایيها قرار گرفت. دولت آمريكا چندین بار به علت متهم کردن بن لادن و دست داشتن او در انفجار برجهای تجاری، از گروه طالبان خواستار اخراج نیروهای القاعده، علی‌الخصوص بن لادن، شد؛ ولی طالبان نه‌تنها به خواستة آمريكا توجه نکردند بلکه حمایت همه‌جانبه خود را از گروه القاعده اعلام و آنها را برادر مسلمان خود تلقی کردند. در این مسئله خواست آمريكا پذیرفته نشد. سرانجام پس از چند ماه نیروهای آمريكا وارد عمل شدند و با همکاری نیروهای جبهه متحد اسلامی افغانستان، پس از جنگ و درگیری یک ماهه، رژیم طالبان را ساقط کردند. پس از شکست، اکثر نیروهای طالبان خاک افغانستان را ترک و به کشور حامی خود (پاکستان) پناهنده شدند. پس از چند روز دولت انتقالی اسلامی افغانستان که زمينة آن در کنفرانس بن فراهم شده بود، تشكيل شد و رئيس جمهور حامد کرزی زمام امور و هدایت کشتی توفان‌زده را به دست گرفت. دولت پاکستان از اضمحلال و سقوط رژیم طالبان به خشم آمده بود.

8. پس از سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت انتقالی افغانستان به رهبری حامد کرزی، دولت پاکستان محطاطانه با دولت کابل روابط برقرار کرد. گرچه سفرهای مقامات عالی‌رتبه در سطح رئیس جمهوری به هر دو کشور صورت گرفته ولی متأسفانه کدورت و تنش بین دو طرف باقی ماند؛ اكنون هر کدام از دو طرف در ناآراميهای داخلی خود همدیگر را به دست داشتن و حمایت از مخالفین خود متهم می‌کنند. دولت پاکستان در ناآراميهای سیستان و بلوچستان و سرحدات خود دولت افغانستان را متهم مي‌نمايد و دولت افغانستان در مورد مسلح کردن مخالفین و ناامن کردن افغانستان، پاکستان را در امور داخلی متهم می‌کند. طی روزهای اخیر تنش شدت بیشتری پیدا کرده است و حتی کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در تاریخ 28/2/1385 طی یک سخنرانی در جمع مردم جلال‌آباد، خطاب به ژنرال مشرف رئیس‌جمهور پاکستان اظهار داشت: «آقای مشرف، دیگر آن زمان گذشت که پاکستان در اسلام‌آباد برای افغانستان دولت تعیین می‌کرد و حالا افغانستان برای خود دولت قانونی دارد» دولت پاکستان در این مورد هر نوع اتهامات دولت کابل را رد می‌کند. در همین مورد، مجددی رئیس مجلس سنا و نیز فرمانده ناتو در افغانستان، ضمن ابراز ناخرسندی، دولت پاکستان را در ناآراميهای استانهای جنوب شرقی و تشدید حملات انتحاری و انفجارات مخالفین دولت کابل نسبت به نیروهای آمريكايی و ائتلافی و افغان متهم کرد.

9. روابط دیپلماتیک مطلوب دولت افغانستان با هند، که دشمن دیرينه پاکستان می‌باشد، و نزدیکی بيشتر کابل با دهلی باعث ناراحتی دولت اسلام‌آباد می‌شود؛ آنها مايل‌اند روابط کابل و دهلی صمیمانه نباشد. دولت هند در طول سه دهة گذشته، چه در دوران حکومت کمونیستی و چه در دوران حکومت مجاهدین، از دولتهای حاکم بر افغانستان حمایت به عمل آورده است. اکنون نیز یکی از کشورهای حامی دولت کابل به حساب می‌آید و در بازسازی نقش مهمی ایفا می‌کند.

10. دولت پاکستان خواستار حاكميت یک دولت ضعیف و ناکارآمد در افغانستان می‌باشد؛ و اگر دولت قوی و باثبات در افغانستان استقرار پیدا کند، پاکستان طبعاً احساس خطر می‌كند. تلاشهای زیادی در این زمینه نیز صورت گرفته است. به طور مثال: آقای نواز شریف نخست‌وزیر وقت پاکستان در دهه‌ای 1990 طی نطقی در اجتماع مردم حزب مسلم لیک در تبلیغات کاندیداتوري خود براي نخست‌وزیری، اظهار داشت كه: من بهترین فعالیت و دستاوردم در طی دو دهه این نبوده که ارتش باسابقه کشور همسایه (افغانستان) را، که بالقوه ما را تهدید می‌کرد، از هم پاشانيدیم... و اينها را از جمله خدمات و شایستگيهای خود قلمداد می‌کرد. پس معلوم می‌شود که افغانستان قوی و باثبات به نفع پاکستان نبوده و نخواهد بود. از طرف دیگر، اگر در افغانستان یک دولت قوی و نیرومند روی کار باشد پاکستان بيم دارد که افغانستان حق مالكيت سرزمینی خود را (که طی قرارداد دیورند و گندمک تحت حاکمیت پاکستان است) دوباره استرداد نماید. علاوه بر آن، در پاکستان، به خصوص در صوبه سرحد (پیشاور)، اکثریت‌شان پشتون مي‌باشند؛ حزب عوامی (نشنل پارتی)، که خود را افغان می‌دانند، رهبر فقیدشان‌ عبدالغفارخان در زمان حیات خود خطاب به مهاجرین افغان می‌گفت که شما مهاجر نیستید این وطن مال شماست. او در وصیتنامه برای فرزندان و هواداران خود نوشته بود در صورت فوت جنازه‌اش را در سرزمین اصلی و آبا و اجدادي خودش افغانستان دفن کنند. عبدالغفارخان پس از فوت در جلال‌آباد افغانستان، میان سرحد پاکستان و افغانستان، دفن شد. دولت پاکستان از این خوف دارد که ممکن است در آینده پشتونها، که اکثریت ساكنان مناطق صوبه سرحد پیشاور و پشتونستان را تشکیل می‌دهند، روزی ادعای استقلال کنند و به افغانستان بپیوندند؛ یا اینکه دولت افغانستان اقتدار ملی قوی پیدا کند نواحي دیورند و گندمک را استرداد نمایند. در هفته‌های گذشته، که خشونتها در افغانستان شدت پیدا کرده بود، نمایندگان مجلس شورای ملی در نشستها و جلسات خود موضوع استرداد سرزمینهای گندمک و دیورند را مطرح کرده بودند.

11. طی روزهای اخير که خشونت و ناامنی در افغانستان رو به افزایش می‌باشد و تلاش از راه سیاسی و ديپلماتيك برای کاهش تنش و ناامنی کارساز نيست، ریاست جمهوری اسلامی افغانستان آقای حامد کرزی از راه غیرديپلماتيك وارد عرصه شده و طی نامه‌ای در مورخ 28/7/1385 برای رهبران جماعت اسلامی فضل الرحمن و همچنان پشتونخواه، از سران مذهبي و ملي خواسته است تا از نفوذ خود استفاده كرده بر نیروهای دولتی پاکستان فشار بياورند که از دخالت در امور داخلی افغانستان خودداری نمایند.

تحلیل‌گران سیاسی بر این عقیده‌اند که دولت پاکستان سیاست یک بام و دو هوا را در پیش گرفته است. از یک طرف خود را جزو کشورهای ائتلاف و هماهنگ در مبارزه با تروریسم مي‌داند ــ در صورتی که از تروریسم حمایت مي‌كند؛ تروريستها آنها را در خاک خود پناه داده و نیروهای القاعده را در خاک خود مسلح مي‌سازد و برای ايجاد رعب و وحشت وارد افغانستان می‌کند و طی هفته‌های گذشته دولت پاکستان نیروهای طالبان سرحدی وزیرستان پاکستان را به منظور کنترل مناطق خود به رسمیت شناخته است. از طرف دیگر، به بهانه تعقیب نیروهای القاعده، سلطه و کنترل خود را به منطقه پشتونستان و وزیرستان را که طی سالهای متمادی بر آنها سلطه نداشته و در آن سرزمین هیچ حکومتي حاکم نبوده و مردم آن به شکل خودمختاری زندگی کرده و از سوي سران اقوام اداره می‌شدند تحت سلطه خود در آورد. در دوران جهاد و اشغال افغانستان به دست نیروهای شوروی، که حکومتها در افغانستان درگیر جنگهای داخلی بودند، نیروهای پاکستانی از فرصت استفاده نموده کیلومترها در داخل خاک افغانستان پيش رفته پاسگاههای مرزی خود را تأسیس و مستحکم نموده است.

1. \* پژوهشگر علوم سياسي از كشور افغانستان [↑](#footnote-ref-1)